

ازدواج در مثنوی «ویس و رامین»

دکتر سید محمد شاهمرادی

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرچ

چکیده

در داستان ویس و رامین، ازدواج و مسائل پیرامون آن قسمت اعظم طرح (پی رنگ) داستان را تشکیل می دهد.

شیوه ی آشنایی دلدادگان، چگونگی خواستگاری، اختیار زمان سعد، نیایش به درگاه ایزد و استمداد از سروشان، مقدمه ی ازدواج همسران در دوره شکل گیری داستان است. ازدواج محارم نزدیک (خواهر و برادر) از شگفتی هایی است که در این دوره وادوار پیشین در ایران و مصر معمول بوده است.

اختلاف سن دو همسر در این دوره (زمان شاهنشاهی اشکانی) امری ناپسندیده است چنانکه شاه موبد با همه شوکت و شکوه درباری از بدیمنی آن برکنار نمانده در ازدواج با ویس دچار شکست شده است.

وسرانجام این رامین جوان است که با خصلتهای مردانه اش دل از ویس زیبا ربوده، در پی سلسله معاشقات شور انگیز، اساس یک کانون سعادت‌مند را مستحکم می نماید.

کلید واژه: عشق، ویس، رامین، ازدواج با محارم، اشکانیان

آداب همسر گزینی

الف: شیوه آشنایی دلدادگان و آغاز عشق ورزی

ملاقات دلدادگان اغلب با مصاحبت های خانوادگی و نشست و برخاست های دوستانه صورت می گیرد. گاهی این آشنایی با پادرمیانی و واسطه ی رابطینی که با دو خانواده ارتباط دارند عملی میشود.

محیط این ملاقاتها معمولاً: گردشگاهها، مهمانی ها مسافرت ها و مکتب خانه ها و معابد می باشد.

دلدادگان داستان، (ویس و رامین) که هر دو از شاهزادگان هستند در محضر دایه ای از ناحیه ی خوزان با هم آشنا می شوند.

شهر و ملکه ی کشور ماد پس از تولد دخترش (ویس) بلافاصله او را به دایه ی مذکور می سپارد:

یکی دختر که چون آمد ز مادر
شب دیجور را بزود چون خور
همان ساعت که از مادر فروزاد
مرو را مادرش بادایگان داد
به خوزان برد اورا دایگانش
که آنجا بود جای و خان و مانش
ص ۱۸-۱۴/۳۶

از آنجا که قضای آسمانی، سرنوشت دو دلداده را از آغاز به هم پیوند داده بود، رامین نیز نزد همان دایه آورده شد و مدت ده سال در کنار دلداری و همسر آینده ی خویش رشد کرد:

همیدون دایگان برجانش لرزان	به دایه بود رامین هم به خوزان
چو در یک باغ، آذر گون و نسرين	به هم بودند آنجا ویس و رامین
به هم بودند روز و شب به بازی	به هم رستند آنجا دو نیازی
پس آنگه رام بردند زی خراسان	چوسالی ده بماندستند نازان
ص ۵/۲/۳۹	

لبان چون مشتری فرخنده کردار
 همه ساله شکر بار و گهر بار
 دو زلفش مشک و رخ کافوروشنگرف
 چو زاغی اوفتاده گشته بر برف
 رخانش هست گفتی توده گل
 لبانش هست گفتی قطره مل ...

ص ۱۶-۱۵/۹۸-

ص ۶-۱/۱۰۰-

و- مراسم جشن عروسی

یکی از پرشکوه ترین رسوم رایج در زمان شکل گیری داستان، جشن عروسی شاهان و شاهزادگان بود مهمانان از طبقات بالای جامعه حضور می یافتند. گهرهای ارزشمند و درم و دینار فراوان نثار می کردند، در و دیوار خانه های شهر را آذین بسته، به انواع دیبا و تافته های زرنگار می آراستند.

نوازندگان از هر دستی، مردم را به شادی و شادخواری می خواندند. نمایش و لعبت بازی در کوی و برزن اجرا میشد. شربت و نوشیدنی دست به دست می گشت. بخار عود و کندر و عطر و رایحه عنبر و مشک فضا را عطر آگین می کرد. پرتاب ژوبین و پیکان توسط چابک کاران انجام می شد. همچنین سواری و چوگان بازی از دیگر مراسم این جشن بود:

پس آنگه نامداران را بخواندند	دگر ره دَر و گوهر برفشاندد
سراسر دل به رامش برگشادند	بنای عشرت و شادی نهادند
زبس بردستها پر می پیاله	توگفتی بود یکسر دشت لاله
چو روز آمد به هر دشتی ورودی	بگوش آمد زهرگونه سرودی
چو شب بودی به هر دشتی وراغی	به هر دستی زجام می چراغی
زبس بر روی صحرا مشک و دیبا	همه خرخیز و شتر گشت صحرا
بخار بوی خوش چون ابرسته	به می گرد از همه گیتی بشسته
گهی ژوبین زدند و گاه چوگان	گهی دستان زدند و گاه پیکان

همسر اصلی واولیه اش که برادرش نیز می باشد فراهم آورد:

که شاهنشاه وی را چه فرستاد	که داند کرد یک در سخن یاد؟
زطبل عطرها و جام زیور	زتخته جامه ها و درج گوهر
همه کافور رویان مشک مویان	زچینی وز رومی، ماه رویان
ندیده روی شیر مرغزاری	یکایک چون گوزن رودباری
بدیشان نارسیده چنگ بازان	به خوبی همچو طاووسان گرازان
مشاطه گشته مر خوییش را بخت	نشسته ویس عنبر موی برتخت

ص ۲۶/۱۰۱-۳۰

ح - زفاف کردن ویس ورامین:

در منظومه ی ویس ورامین، آیین زناشویی و زفاف کردن دو دلداده (ویس ورامین) بسیار آشکارا و بی پرده، بیان شده است.

این صراحت در جامعه اسلامی ایران نمی تواند پذیرفته شود و شاید یکی از دلایل مهجور ماندن این داستان نسبت به داستانهای مشابه نظیر خسرو و شیرین، لیلی و مجنون و یوسف و زلیخا همین صراحت لهجه ورک گویی باشد.

برای مقایسه می توان گفتار فخرالدین اسعد را در مورد زناشویی رامین و ویس با سخن نظامی گنجه‌ای درباره ی زناشویی خسرو و شیرین مقایسه کرد:

زفاف ویس و رامین:

وز آن پس هر دوان با هم بختند	گذشته حالها با هم گفتند
به شادی ویس را بد شاه در بر	چو رامین را دو هفته ماه در بر
همه بستر پر از دُر بود و گوهر	همه بالین پر از مشک و زعنبر
شکرشان در سخن هم از گشته	گهرشان در خوشی انباز گشته
لب اندر لب نهاده روی بر روی	در افکنده به میدان از خوشی گوی

زتنگی دوست را در برگرفتن
 به هر تیری که ویسه بردلش زد
 چو در میدان شادی سرکشی کرد
 بدان دلبر فزونتر شد پسندش
 بسفت آن نغز دُرّ پر بهارا
 چوتیر از زخمگاه آهیخت بیرون
 به تیرش خسته شد ویس دلارام
 چو کام دل برآمد این و آن را
 وز آن پس همچنان دو مه بماندند
 دوتن بودند در بستر چو یک تن
 هزاران بوسه رامین برگلش زد
 کلید کام در قفل خوشی کرد
 کجا با مَهر یزدان بود بندش
 بکرد از پارسایی پارسا را
 نشانه بود و تیرش هر دو پر خون
 برآمد دلش را زآن خستگی کام
 فزون شد مهربانی هردوان را
 بجز خوشی و کام دل نراندند
 ص ۱۰۶-۸۸/۱۶

زفاف خسرو و شیرین:

شرح زفاف خسرو و شیرین از زبان نظامی گنجه ای که توام با تحفظ و پرده پوشی بیشتری است آورده میشود، تا مقایسه ای باشد، از دو بیان در دو اثر:

سراول به گل چیدن در آمد
 پس آنکه عشق را آوازه در داد
 گه از سیب و سمن بد نقل سازیش
 گهی باز سپید از دست شه جیست
 گهی از بس نشاط انگیز پرواز
 گوزن ماده می کوشید با شیر
 شگرفی کرد و تا خازن خبر داشت
 برون برد از دل پر درد او درد
 حصاری یافت سیمین قفل بر در
 نه بانگ پای مظلومان شنیده
 چو گل ز آن رخ به خندیدن درآمد
 صلای میوه های تازه در داد
 گهی با نار و نرگس رفت بازیش
 تذر و باغ را برسینه بنشست
 کبوتر چیره شد برسینه ی باز
 برو هم شیر نرشد عاقبت چیر
 بیاقوت از عقیش مهر برداشت
 برآورد از گل بی گرد او گرد
 چو آب زندگانی مهر برسر
 نه دست ظالمان بر وی رسیده

خندنگ غنچه با پیکان شده جفت به پیکان لعل پیکانی همی سفت
 مگر شه خضر بود و شب سیاهی که در آب حیات افکند ماهی
 نظامی - کلیات خمس - ص ۳۷۳

ز - ذکر نکاتی چند در زمینه زندگی زناشویی:

۱- عادت ماهانه (PERIOD)

در زمان مورد مطالعه ما که آیین مغان در زندگی فردی و اجتماعی حاکم است، اگر قضای آسمانی یعنی حالات ماهانه بر زن حادث شود. زن برای یک هفته بر مرد خود ممنوع و حرام می شود. در این داستان هم هنگامی که شب زفاف ویسه و ویرو فرامیرسد. عروس، دچار چنین حالتی می شود:

کجا آن شب که ویرو بود داماد بدامادیش هرکس خرم و شاد
 عروسش را پدید آمد یکی حال کزوداماد را وارونه شد فال
 فرود آمد قضای آسمانی که ایشان را بیست از کامرانی
 گشاد آن سیمتن را علت از تن بخون آلوده شده آزاده سوسن
 دو هفته ماه یک هفته چنان بود که گفتی کان یاقوت روان بود
 زن مغ چون برین کردار باشد به صحبت مرد ازو بیزار باشد
 ص ۶/۷۲-۱۱

چنانچه در این حالت، زن وضعیت خویش را مخفی بدارد، برای همیشه بر مرد حرام می شود:

وگر زن حال از و دارد نهانی بروگردد حرام جاودانی

زپیش آنکه او جوید زمن کام تراگسترد باید در رهش دام
 که من یکسال نسپارم بدو تن نپرهیزم ز پادافراه وکشتن
 نباشد سوک قارن کم ز یک سال مرا یک سال بینی هم بدین حال
 یکی نیرنگ ساز از هوشمندی مگر مردیش را بر من بیندی
 چو سالی بگذرد پس برگشایی رهی گرددت چون یابد رهایی
 همانجا/۱۱/۱۷

۳- ازدواج با محارم:

ازدواج ویرو با ویس، این برادر و خواهر، هر خواننده را به تعجب و شگفتی وا می دارد این رسم که با عرف و عادت امروزه مابینت دارد، در روزگار شکل گیری داستان که بنا به بررسی و پژوهش صاحب نظران، روزگار حکومت اشکانیان است امری معمول و رایج بوده است. شهر و مادر این زوج که شاهزاده ای از کشور ماد (ماه) است، این اتفاق را خود، توصیه و تجویز کرده، آنرا امری مبارک و شایسته می شمرد. در ایران نیست جفتی با توهمسر مگر ویرو که هستت خود برادر تو او را جفت باش و دیده بفروز وزین پیوند فرخ کن مرا روز زن ویرو بود شایسته خواهر عروس من بود بایسته دختر
 ص ۴۳/۵-۷

ویس نیز به برادر عشق می ورزد و او را همسری مناسب و دلخواه دانسته، در جواب شاه موبد که از وی خواستگاری می کند چنین گوید:

مبر زین بیش در امید من رنج به باد یافه کاری بر مده گنج
 نگر تا تو نپنداری که هر گز مرا زنده به زیر آری ازین دژ
 ویا هرگز تو از من شاد باشی وگر چه جادوی استاد باشی
 مرا ویرو خداوند ست و شاهست به بالا سرو واز دیدار ماهست

